تواضع میرزای قمی

شاگرد: از صاحب قوانین سؤال کردند که سید علی نامی است که ادعای اجتهاد دارد، آیا مجتهد است؟ فرمودند بلی مجتهد است.

استاد: من قضیه‌ای را عرض کردم که می‌همان ایشان شدند. بعد قضیه را به شکال کامل پیدا کرده بودند و گذاشته بودند در سایت. مطالبی که در فدکیه گذاشتند معلوم بود که اصطکاک بیش از اینها بوده! بین این دو بزرگوار؛ مرحوم صاحب ریاض و مرحوم صاحب قوانین. اینها معاصر بودند و بین آنها یک مسائلی پیش آمد. البته برای غیر صاحب ریاض هم هست. حاج آقا اسم نمی‌بردند. می‌گفتند آن آقا در حوزه‌های عتبات قوانین در دستش بود، بالای منبر آورده بود که به میرزا اشکال بکند. از علماء معروف بود و استاد شیخ انصاری بود. بعد از اینکه مطلب را در کرد و مطلب را پاره پاره کرد، کتاب را هم از بالای منبر پایین پرت کرد! حاج آقا می‌فرمودند از بالای منبر کتاب را پایین پرت کرد و خیلی هم صدا کرد. میرزای قمی هم حیات داشت. حاج آقا این را برای عظمت میرزای قمی می‌گفتند. بعد حرف رسید. مردم هم سریع حرف را می‌برند. حرف به گوش میرزا رسید که فلانی کتاب شما را از بالای منبر پرتاب کرد. گفتند به محض اینکه این را به میرزا گفتند ایشان به سجده رفت. سجده رفت و طول هم داد. کسی که گفته بود گفت شاید آقا ناراحت شدند. گفت آقا آزرده شدید؟! من نمی خواستم ناراحتتان کنم. فرمودند نه، سجده من سجده شکر بود که خداوند همین اندازه به کتاب من لیاقت داد که به دست علماء بیاید. ولو آن را پرتاب کنند. ببینید چه افرادی؟! یعنی کتاب من اصلاً لیاقت نداشت که به دست علماء بیاید و بررسی کنند. مرحوم صاحب جواهر تعبیری دارند، می‌فرمایند این مطلب «لالیلیق الدر». یعنی مطلبی است که اصلاً سزاوار نیست که آن را در کنیم. آدم وقت می‌گذارد تا آن را در کند، خُب باید بیارزد. چه چیزی را در کنیم؟! وقتی ارزش ندارد، «ال یلیق الدر». ایشان گفته بود همین که علماء ندیده‌اند اهلیت دارد که در دست بگیرند و در کنند، سجده شکر کردم. این جور بزرگوار بودند.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 13:55:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 13:55:32 توسط ... .